

مفاهیم حاکمیت شرکتی

دکتر یحیی حساس یگانه
عضو هیئت علمی دانشگاه علامه طباطبائی

آغاز سخن

جامعه متخصصان، تحقیقات دانشگاهی در این زمینه رونق گرفته و معیارهای نوین در این مورد پدید آمده و می آیند. این موضوع از سال ۲۰۰۴ در مقاطع تحصیلات تکمیلی (کارشناسی ارشد و دکتری) در دانشگاه‌های کشورهای پیشرو به عنوان یک سرفصل مستقل، تدریس می‌شود. در اهمیت حاکمیت شرکتی برای موفقیت شرکت‌ها و رفاه اجتماعی شکی نیست. این موضوع با توجه به رخدادهای اخیر اهمیت بیشتری یافته است. فروپاشی شرکت‌های بزرگ از قبیل انرون^۱، ووردکام^۲، آدفی^۳، سیکو^۴، لیوسنت^۵، گلوبال کروسینگ^۶، سان‌بیم^۷، تیکو^۸، اکس وکس^۹ و... که موجب زیان بسیاری از سرمایه‌گذاران و ذی‌نفعان شد و ناشی از سیستم‌های ضعیف حاکمیت شرکتی بود، موجب تاکید بیش از پیش بر ضرورت ارتقا و اصلاح حاکمیت شرکتی در سطح بین‌المللی شده است. به دنبال فروپاشی انرون و موارد مشابه دیگر، کشورهای سراسر دنیا سریعاً واکنش بازدارانه نشان دادند. در آمریکا به عنوان یک واکنش سریع به این فروپاشی‌ها قانون سرینیز آکسلی در جولای ۲۰۰۲ تصویب شد که (از سال ۲۰۰۴ لازم‌الاجراست) و در ژانویه ۲۰۰۳ گزارش‌های

در سال‌های اخیر، حاکمیت شرکتی (Corporate Governance) یک جنبه اصلی و پویای تجارت شده و توجه به آن به طور تصاعدی رو به افزایش است. پیشرفت در اعمال حاکمیت شرکتی در سطح جهانی صورت می‌گیرد. سازمان‌های بین‌المللی مانند سازمان همکاری‌های اقتصادی و توسعه (OECD)^۱ استانداردهای قابل قبول بین‌المللی را در این مورد فراهم می‌کنند. در آمریکا و بریتانیا و سایر کشورها، هم چنان به تقویت سیستم‌های حاکمیت شرکتی خود ادامه می‌دهند و به سهامداران و روابط آنها، پاسخگویی، بهبود عملکرد هیات مدیره، حساب‌رسان و سیستم‌های حسابداری و کنترل داخلی، توجه ویژه می‌کنند و به روش‌هایی توجه دارند که شرکت‌ها با این روش‌ها اداره و کنترل می‌شوند. افزون بر آن، سرمایه‌گذاران جزء، سرمایه‌گذاران نهادی، حسابداران و حساب‌رسان و سایر بازیگران صحنه بازار پول و سرمایه، از فلسفه وجودی و ضرورت اصلاح و بهبود دائمی حاکمیت شرکتی، آگاهند.

به واسطه اقبال روزافزون به مسائل حاکمیت شرکتی در

هیگس و اسمیت در بریتانیا در پاسخ به شکست‌های حاکمیت شرکتی، انتشار یافتند.

در ایران برای اولین بار موضوع حاکمیت شرکتی در سخنرانی‌ها و مصاحبه‌های دبیرکل بورس اوراق بهادار و در دو سمینار زیر مطرح شد.

۱- "حاکمیت شرکتی و نقش آن در توسعه بازار سرمایه کنفرانس ملی بازار سرمایه، موتور محرک توسعه اقتصادی ایران"، ۷ و ۸ آذرماه ۱۳۸۳. برگزارکننده دانشگاه علامه طباطبائی.

۲- "حاکمیت شرکتی و تاثیر آن بر گزارشگری سمینار گزارشگری مالی و تحولات پیش‌رو"، ۸ و ۹ دی‌ماه ۱۳۸۳. برگزارکننده انجمن حسابداران خبره ایران.

با توجه به اهمیت موضوع، وضعیت بازار سرمایه در ایران و اشتیاقی که مسئولان بورس اوراق بهادار برای سامان‌دهی و گسترش آن نشان می‌دهند، بررسی تعاریف، مفاهیم و ابعاد مختلف حاکمیت شرکتی ضروری به نظر می‌رسد. بنابراین، مجموعه مقالاتی در زمینه‌های زیر ارائه خواهد شد:

۱. تعاریف و مفاهیم حاکمیت شرکتی.
۲. مبانی نظری حاکمیت شرکتی.
۳. سیستم‌های حاکمیت شرکتی.
۴. همگرایی بین‌المللی حاکمیت شرکتی.
۵. تاثیر حاکمیت شرکتی در گسترش بازار سرمایه برخی از کشورها.
۶. نقش هیات مدیره در حاکمیت شرکتی.
۷. نقش سرمایه‌گذاران نهادی در حاکمیت شرکتی.
۸. و ...

حاکمیت شرکتی چیست

اولین مفهوم عبارت حاکمیت شرکتی، از واژه لاتین Gubernare به معنای هدایت کردن گرفته شده که معمولاً برای هدایت یک کشتی به کار می‌رود و دلالت بر این دارد که اولین تعریف حاکمیت شرکتی به راهبری تمرکز دارد تا کنترل. روش‌های متعددی برای تعریف حاکمیت شرکتی وجود دارد که از تعاریف محدود و متمرکز بر شرکت‌ها و سهامداران آنها تا تعاریف جامع و دربرگیرنده پاسخگویی شرکت‌ها در قبال گروه کثیری از سهامداران، افراد یا ذی‌نفعان، متغیر هستند.

بررسی ادبیات موجود نشان می‌دهد هیچ تعریف مورد توافق در مورد حاکمیت شرکتی وجود ندارد. تفاوت‌های چشمگیری در تعاریف ارائه شده در هر کشور وجود دارد. حتی در آمریکا یا انگلستان نیز رسیدن به یک تعریف واحد کارآسانی نیست. تعاریف موجود از حاکمیت شرکتی در یک طیف وسیع شامل دیدگاه‌های محدود در یک سو و دیدگاه‌های گسترده در سوی دیگر طیف قرار دارند. در دیدگاه‌های محدود، حاکمیت شرکتی به رابطه شرکت و سهامداران محدود می‌شود. این یک الگوی قدیمی است که در قالب تئوری نمایندگی بیان می‌شود. در آن سوی طیف حاکمیت شرکتی را می‌توان به صورت یک شبکه از روابط دید که نه تنها بین شرکت و مالکان آنها (سهامداران) بلکه بین شرکت و عده زیادی از ذی‌نفعان از جمله کارکنان، مشتریان، فروشندگان، دارندگان اوراق قرضه و ... وجود دارند. چنین دیدگاهی در قالب تئوری ذی‌نفعان دیده می‌شود.

در نمایشگر ۱، چند تعریف از حاکمیت شرکتی ارائه شده است. در آن تعاریف از محدودترین و در عین حال توصیف‌کننده نقش اساسی حاکمیت شرکتی آغاز می‌شود (گزارش کادبری ۱۹۹۲) در میانه نمایشگر به یک دیدگاه کاملاً مالی اشاره شده که به موضوع روابط سهامداران و مدیریت تاکید دارد، (پارکینسون ۱۹۹۴) و نهایتاً به یک تعریف گسترده‌تری خاتمه می‌یابد که پاسخگویی شرکتی را در برابر ذی‌نفعان و جامعه در برمی‌گیرد (تریگر ۱۹۸۴).

بررسی کلی تعاریف حاکمیت شرکتی در متون علمی، نشان می‌دهد که تمام آنها دارای یک ویژگی مشترک و معینی هستند که یکی از آنها پاسخگویی^{۱۱} است. تعاریف محدود حاکمیت شرکتی متمرکز بر قابلیت‌های سیستم قانونی یک کشور برای حفظ حقوق سهامداران اقلیت می‌باشند (مثلاً پارکینسون ۱۹۹۴ یا، لاپرتا و همکاران ۱۹۹۸). این تعاریف اساساً برای مقایسه بین کشوری مناسب هستند و قوانین هر کشوری، نقش تعیین‌کننده‌ای در سیستم حاکمیت شرکتی دارد.

تعاریف گسترده‌تر حاکمیت شرکتی بر سطح پاسخگویی وسیع‌تری نسبت به سهامداران و دیگر ذی‌نفعان تاکید دارند. تعاریف تری‌گر (۱۹۸۴)، مگینسون (۱۹۹۴) و رابرت مانکز ۳۱ و نل مینو (۱۹۹۵) که به گروه بیش‌تری از ذی‌نفعان تاکید

نمایشگر ۱ - تعاریف حاکمیت شرکتی

ردیف	
۱	(IFAC, ۲۰۰۳) حاکمیت شرکتی (حاکمیت واحد تجاری) تعدادی مسئولیت‌ها و شیوه‌های اعمال شده توسط هیات مدیره و مدیران موظف با هدف مشخص کردن مسیر راهبردی است که تضمین‌کننده دستیابی به اهداف، کنترل ریسک‌ها به طور مناسب و مصرف منابع به طور مسئولانه، می‌باشد. (کادبری ۱۹۹۲)
۲	... سیستمی که شرکت‌ها با آن، هدایت و کنترل می‌شوند.
۳	گزارش کاربون (بلژیک) (۱۹۹۵) حاکمیت شرکتی مجموعه‌ای از قواعد ناظر بر هدایت و کنترل شرکت است.
۴	(پارکینسون ۱۹۹۴) حاکمیت شرکتی عبارت است از ... فرآیند نظارت و کنترل برای تضمین اینکه مدیریت شرکت مطابق با منافع سهامداران عمل می‌کند.
۵	صندوق بین‌المللی پول IMF ^{۱۲} , OECD (۲۰۰۱) ساختار روابط و مسئولیت‌ها در میان یک گروه اصلی شامل سهامداران، اعضای هیات مدیره و مدیرعامل برای ترویج بهتر عملکرد رقابتی لازم جهت دستیابی به اهداف اولیه مشارکت.
۶	(کتابچه حاکمیت شرکتی بریتانیا، ۱۹۹۶) ... رابطه بین سهامداران و شرکت و روشی که سهامداران به کمک آن مدیران را به بهترین عملکرد تشویق می‌کنند (مثلاً با رای‌گیری در مجامع عمومی و جلسات منظم با مدیران ارشد شرکت‌ها).
۷	اشلیفر و ویشنی (۱۹۹۷) حاکمیت شرکتی در مورد راه‌هایی است که به تامین‌کنندگان منابع مالی شرکت‌ها اطمینان می‌دهد به بازده سرمایه‌گذاری خود دست خواهند داد.
۸	هاپت و دیگران (اکسفورد) (۱۹۹۸) حاکمیت شرکتی به تشریح سازمان‌دهی داخلی و ساختار قدرت شرکت، نحوه ایفای وظایف هیات مدیره، ساختار مالکیت شرکت و روابط متقابل میان سهامداران و سایر ذی‌نفعان به خصوص نیروی کار شرکت و اعتباردهندگان به آن می‌پردازد.
۹	(کیزی و رایت، ۱۹۹۳) ساختارها، فرآیندها، فرهنگ‌ها و سیستم‌های که عملیات موفق سازمان را فراهم کنند.
۱۰	(مگینسون، ۱۹۹۳) سیستم حاکمیت شرکتی را می‌توان مجموعه قوانین، مقررات، نهادها و روش‌هایی تعریف کرد که تعیین می‌کنند شرکت‌ها چگونه و به نفع چه کسانی اداره می‌شوند.
۱۱	(رابرت مانکز و نل مینو، ۱۹۹۵) ابزاری که هر اجتماع به وسیله آن جهت حرکت شرکت را تعیین می‌کند.
۱۲	(رابرت مانکز و نل مینو، ۱۹۹۵) حاکمیت شرکتی عبارت است از روابط میان گروه‌های مختلف در تعیین جهت‌گیری و عملکرد شرکت. گروه‌های اصلی عبارت از: سهامداران، مدیرعامل و هیات‌مدیره، و سایر گروه‌ها، شامل کارکنان، مشتریان، فروشندگان، اعتباردهندگان و اجتماع است.
۱۳	ولف سون (رئیس بانک جهانی) (۲۰۰۰) حاکمیت شرکتی در صدد ارتقای انصاف، شفافیت و پاسخگویی در شرکت است.
۱۴	فایننشیل تایمز (۱۹۹۹) حاکمیت شرکتی را می‌توان در تعریف محدود آن، رابطه شرکت با سهامداران و در تعریف گسترده آن، رابطه شرکت با جامعه دانست.
۱۵	(تری گر ۱۹۸۴) ... حاکمیت شرکتی تنها مربوط به اداره عملیات شرکت نیست بلکه مربوط به هدایت، نظارت و کنترل اعمال مدیران اجرایی و پاسخگویی آنها به تمام ذی‌نفعان شرکت (اجتماع) می‌باشد.

- 9- Tyco
- 10- Xerox
- 11- International Monetary Fund (IMF)
- 12- Accountability

فهرست منابع و مآخذ

- 1- Berle, a. and, Means, G.(1932) "The Modern Corporate and Private Property", NewYork.
- 2- Cadbury Code, the (December 1992) "Report of the committee on Financial Aspects of Corporate Governance": the Cod of Best Practice, Gee Professional Publishing, London.
- 3- Cadbury, A.(2002) "Corporate Governance and Chairmanship: A Personal View, Oxford University Press, Oxford.
- 4- Economist, the (28 November 2002) "Investor Self-Protection"
- 5- Franks, J. and Mayer, C. (1994) "The ownership and control of Garman Corporation" (manuscript), London Business School, London.
- 6- Farrar, J.H. and Hannigan, B.M.(1998) "Farrar's Company Law" (4thedn), Butterworths, London.
- 7- Fox, L.(2003) Enron; "The Rise and Fall" John Wiley & Sons, Hoboken, Nj.
- 8- Higgs Report, the (january 2003) "Review of the Role and Effectiveness of Non-Executive Directors, Department of trade and Industry", London.
- 9- International Federation of Accountants, (2004), "Enterprise Governance Getting the Balance Right" Professionnal Accountants in Business Committee (PAIB), New York. Amsterdam.
- 10- La porta, R. Lopez-de-Silanes, F, shellfire, A and Vishny R.W.(1998) "Law and Finance", journal of political enconomy, 106.
- 11- OECD (1999) "OECD Principles of Corporate Governance", OECD, Paris.
- 12- Parkinson, J.E.(1994) "Corporate Power and Responsibility", Oxford University Press Oxford.
- 13- Solomon. Jill. And Solpmon. Airs (2004), "Corporate Governance and Accountability" John Wiley & Sonns, Engalan.
- 14- Tricker, R.I.(1984) "Corporate Governance": Practices, Procedures and Power in British Companies and Their Boards of directors, Gower Press, Aldershot, UK.

دارند، از مقبولیت بیش‌تری نزد صاحب‌نظران برخوردار است. تعاریف گسترده‌تر نشان می‌دهند که شرکت‌ها در برابر کل جامعه؛ نسل‌های آینده و منابع طبیعی (محیط زیست) مسئولیت دارند. در این دیدگاه، سیستم حاکمیت شرکتی موانع و اهرم‌های تعادل درون سازمانی و برون سازمانی برای شرکت‌ها می‌باشد که تضمین می‌کند آنها مسئولیت خود را نسبت به تمام ذی‌نفعان انجام می‌دهند و در تمام زمینه‌های فعالیت تجاری، به صورت مسئولانه عمل می‌کنند. همچنین، استدلال منطقی در این دیدگاه آن است که منافع سهامداران را فقط می‌توان با در نظر گرفتن منافع ذی‌نفعان برآورده کرد. یافته‌های مطالعات انجام شده نشان می‌دهد، شرکت‌هایی که در برابر تمام ذی‌نفعان مسئول می‌باشند، در دراز مدت موفق‌تر و با رونق‌تر هستند. شرکت‌ها می‌توانند ارزش آفرینی خود را در دراز مدت افزایش دهند و این کار با انجام مسئولیت خود در برابر تمام ذی‌نفعان و با بهینه‌سازی سیستم حاکمیت خود می‌کنند. این دیدگاه مورد تایید اکثر متون علمی است. تحقیقات تجربی (سالمون و سالمون، ۲۰۰۴) موید این دیدگاه است که عملکرد مالی شرکت‌ها با اعمال حق حاکمیت شرکتی آنها رابطه مثبتی دارد و مدیران بهتر، موجب حاکمیت شرکتی موثرتر شده و به ذی‌نفعان خود توجه می‌کنند. همچنین، مدیران بهتر، شرکت‌ها را موثرتر کنترل می‌کنند و بازده مالی بیشتری را تولید می‌کنند. منتقدان این دیدگاه براین باورند که حاکمیت شرکتی با تمرکز به ذی‌نفعان موضوعی اخلاقی است. در دنیای واقعی بعید است که سوداگران و سرمایه‌گذاران به انجام اعمال اخلاقی علاقه‌مند باشند مگر اینکه بازده‌های مالی مناسبی از انجام این کار عایدشان شود.

پی‌نوشت‌ها:

- 1- Organization for Economic Co-operation and Development (OECD)
- 2- Enron
- 3- World com
- 4- Adelphi
- 5- Cisco
- 6- Lucent
- 7- Global Crossing
- 8- Sun beam